



بررسی نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی عمار

پدیدآورده (ها) : فروزانی، سید ابوالقاسم؛ مودت، لیدا
ادیان، مذاهب و عرفان :: شیعه‌شناسی :: تابستان 1393 - شماره 46 (علمی-
پژوهشی/ISC)
از 7 تا 24
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1090436>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 10/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

بررسی نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی‌عمار

سید ابوالقاسم فروزانی / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز
لیدا مودت / استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

در نیمه دوم قرن پنجم هجری، بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام، به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه انجامید. برجسته‌ترین این حکومت‌ها، دولت بنی‌عمار در طرابلس است که به اجماع منابع، شیعه دوازده‌امامی بودند. خاندان بنی‌عمار بسیار به توسعه اقتصادی و پیشرفت فرهنگی این شهر اهتمام داشتند و تأسیس دارالعلمی در طرابلس توسط این خاندان، در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی و همچنین انتقال فرهنگ به اروپا، نقشی بسزا داشته است. این دارالعلم، یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام در قرن پنجم هجری به شمار می‌رفت. در زمان حکمرانی این خاندان، به علت جاذبه علمی طرابلس، دانشمندان از اطراف و اکناف به این دیار سفر کردند و به خدمت حکام بنی‌عمار درآمدند. بنیان‌گذاران شیعی‌مذهب دارالعلم طرابلس با الگوگیری از حکومت‌های شیعی دیگر، در شکوفایی و پویایی شیعه در منطقه شام تأثیرگذار بودند. در پی سقوط این حکومت توسط صلیبیون در اوایل قرن ششم، کتابخانه این دارالعلم به استناد منابع، از سوی مهاجمین دچار آتش‌سوزی شد. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع اصلی، به اوضاع فرهنگی طرابلس و زمینه‌های شکل‌گیری دارالعلم طرابلس می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: بنی‌عمار، تشیع، دارالعلم و طرابلس.

مقدمه

منطقه شام برای حکومت‌های فاطمیان، عباسیان، بیزانس و بعداً سلجوقیان در قرن‌های پنجم و ششم هجری، از اهمیت بسزایی برخوردار بود. در دوران یادشده، شهر طرابلس که حکومت بنی‌عمار شیعه بر آن حکم می‌راند، از جنبه‌های گوناگون جایگاه ارزشمندی داشت.

در قرون چهارم و پنجم هجری، حکومت‌های شیعی برای پیشبرد اهداف فرهنگی، دارالعلم‌هایی در قلمرو حکومت‌هایشان تأسیس کردند. از جمله آنان می‌توان دارالعلم‌های شریف رضی و شاپور بن اردشیر در بغداد، ابن‌سوار در بصره در عهد آل بویه شیعی مذهب، و دارالعلم قاهره در عهد فاطمیان را نام برد. در همین دوران، امیران بنی‌عمار شیعی مذهب در طرابلس با الگوگیری از حکومت‌های شیعی مذهب یادشده، دارالعلمی را در این شهر بنیان نهادند که در پویایی و شکوفایی مذهب تشیع در قرن پنجم هجری در منطقه شام تأثیر بسزایی داشت. با توجه به اینکه از قرن سوم تا هفتم هجری قمری را می‌توان دوران شکوفایی شیعیان در نواحی ساحلی شام دانست، (عثمان، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰-۲۵) دولت بنی‌عمار با تأسیس این دارالعلم، در این امر مؤثر بود.

مسئله اصلی این پژوهش این است که عوامل مؤثر در اعتلای فرهنگی طرابلس در عهد بنی‌عمار چه بوده است؟

فرضیه این پژوهش بر این اصل استوار است که موقعیت جغرافیایی و تجاری شهر طرابلس، و حسن سیاست امیران بنی‌عمار شیعی، به‌رغم کوتاه بودن دوران حکومت آنان، از عواملی بود که موجب شد این شهر بندری در آن مقطع زمانی به شکوفایی فرهنگی و رونق اقتصادی قابل‌توجهی دست یابد. شهر طرابلس با موقعیت ممتاز علمی خود، هنگام هجوم صلیبیون به شام و طرابلس، در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزایی ایفا نمود.

رشد و اعتلای فرهنگی و رونق اقتصادی طرابلس، شیعه امامی بودن دولت بنی‌عمار، و نقش این حکومت در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا، از دلایل اهمیت این پژوهش به‌شمار می‌آید. در این خصوص، اطلاعات و مطالبی به‌صورت مختصر و پراکنده در منابع آمده؛ اما پژوهشی مستقل در زمینه‌های یادشده صورت نگرفته است.

چگونگی تأسیس حکومت بنی‌عمار در طرابلس

در نیمهٔ دوم قرن پنجم هجری بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام، به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه انجامید. یکی از برجسته‌ترین این حکومت‌ها، دولت بنی‌عمار در طرابلس بود. حکومت بنی‌عمار در شام، برای جهان اسلام در قرن پنجم هجری از اهمیت بسزایی برخوردار بود. شهر طرابلس در حوزهٔ شرقی دریای مدیترانه، برای فاطمیان از سویی و برای سلجوقیان از سویی دیگر اهمیت داشت. امیران بنی‌عمار با در پیش گرفتن سیاستی متناسب و کارآمد در قبال سلجوقیان و فاطمیان، موفق شدند حکومت خود را بنیان نهند و فرمانروایی خود را به مدت چهار دهه تداوم بخشند. این آگاهی سیاسی در تعاملات آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های همجوار در شام آشکار است. لازم به ذکر است، ابوطالب امین‌الدوله بن‌عمار، نخستین امیر مستقل بنی‌عمار در طرابلس، ابتدا در خدمت و اطاعت مستنصر، خلیفهٔ فاطمی بود. وی در نیمهٔ قرن پنجم هجری، از جانب خلیفهٔ فاطمی به عنوان والی طرابلس منصوب شد. (ابوالفرج ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۰۲) امین‌الدوله با آگاهی از برتری سیاسی و نظامی سلجوقیان، زمانی که آل‌بارسلان سلجوقی در سال ۴۶۳ق وارد حلب گردید، هیئتی را نزد وی فرستاد تا بدین ترتیب با نزدیکی به سلجوقیان، از فاطمیان اعلام استقلال کند. (ابن‌عدیم، ۱۹۷۶م، ص ۲۳)

امین‌الدوله در میان مشکلات فراوانی که در سرزمین شام بود، سعی داشت قلمرو گسترده‌ای را در ساحل شام تصاحب کند. وی همچنین با سیاستی مدبرانه بین دو دولت فاطمی و سلجوقی توانست حکومت طرابلس را به رغم جدایی از فاطمیان و تهدیدات گوناگون حفظ کند. (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۷۱) امین‌الدوله، افزون بر نگهداری از مرزهای حکومت جدید خود و عمران و آبادانی آن، به مسائل فرهنگی اهتمامی ویژه داشت. (ابن‌فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷) یکی از مهم‌ترین اقدامات وی در این زمینه، تأسیس دارالعلم طرابلس است (ابن‌شداد، ۱۹۶۲م، ج ۲، ص ۱۰۷) که در زمان خود، به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام تبدیل شد. امین‌الدوله در سال ۴۶۴ق درگذشت. مورخان وی را به دلیل عدل و بخشش، حمایت از علویان،

خردمندی و فقاقت ستوده‌اند. (ابوالفداء، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م، ج ۴، ص ۹۷ / ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۳۸).

جلال‌الملک، برادرزاده و جانشین امین‌الدوله، علاوه بر کیاست در سیاست مدبرانه‌اش در قبال سلجوقیان و فاطمیان، به عمران و گسترش حکومت خود توجهی ویژه داشت. (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۳۸/ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۳۱۰) قلمرو امارت بنی‌عمار در زمان جلال‌الملک، از شمال تا جبله، و از جنوب تا جونیه گسترش یافت. (ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م، ج ۵، ص ۱۱۱)^۱

جلال‌الملک فرد باتدبیر و بادرایتی بود که بزرگ‌ترین فرمانروای بنی‌عمار شناخته می‌شود. وی سیاست عمومی خویش امین‌الدوله ابوطالب را در حفظ بی‌طرفی نسبت به فاطمیان و سلجوقیان ادامه داد و خود را از لطمه استیلای سلجوقیان بر شهرهای مهم شام و کشمکش آنان با فاطمیان دور نگه داشت و استقلال نسبی خود را حفظ کرد. (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۷۱) به دنبال استیلای سلجوقیان بر حلب در سال ۴۷۲ق و نفوذ فاطمیان در برخی نواحی شام، طرابلس از دو طرف در معرض تهدید قرار گرفت. از این رو، جلال‌الملک ترجیح داد با تقدیم هدایایی به سلجوقیان، از آنان بر ضد دولت فاطمی استمداد جوید. (ابن‌قلانسی، ۱۹۰۸م، ص ۱۱۲ و ۱۱۵) بدین ترتیب، وی با چنین سیاستی توانست به مدت ۲۸ سال (۴۶۴-۴۹۲ق) در طرابلس حکومت کند. (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۷۱/قلقشندی، ۱۹۶۴م، ج ۱، ص ۳۴۵) جلال‌الملک در سال ۴۹۲ق از دنیا رفت (ابن‌فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷).

فخرالملک ابوعلی، پس از مرگ برادرش جلال‌الملک، در دوران جنگ‌های صلیبی - که از سال ۴۹۱ق دامنه آن به شام کشیده شده بود - به امارت طرابلس رسید. حکومت بنی‌عمار در ابتدا سعی داشت با سیاست مدارا با صلیبیون برخورد کند؛ (ابن‌قلانسی، ۱۹۰۸م، ص ۱۳۸-۱۳۹) اما در حملات بعدی صلیبیون، سیاست امیر بنی‌عمار متفاوت شد. تشکیل پیمان میان حکومت‌های مسلمان، (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۴) تقویت نیروی نظامی، و تدابیر سیاسی و اقتصادی، از جمله اقدامات بعدی

۱. ابن‌تغری‌بردی معتقد است که جلال‌الملک در سال ۴۷۳ق به جبله دست یافت. (ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م، ج ۵، ص ۱۱۱)

امیر بنی‌عمار در قبال صلیبیون بود. تفرقه میان دولت‌های مسلمان منطقه، (ابن‌قلانسی، ۱۹۰۸م، ص ۱۴۶) حمایت نکردن سلجوقیان از ایشان، (ابن‌کثیر، ۱۹۶۶م، ج ۱۲، ص ۱۶۹) شورش داخلی در برابر دولت بنی‌عمار، و تمایل اهالی طرابلس به فاطمیان (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۴۷۶ / ابوالفداء، ۱۳۷۵ق/ ۱۹۵۶م، ج ۲، ص ۲۲۴) از عوامل سقوط این دولت در برابر صلیبیون در سال ۵۰۳ق است. (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۶۳ / ابن‌خلکان، ۱۹۴۸م، ج ۱، ص ۱۴۴ / ابوالفداء، ۱۳۷۵ق/ ۱۹۵۶م، ج ۲، ص ۲۲۴) سقوط طرابلس، نتایج و پیامدهای مهمی برای جهان اسلام داشت. بدین ترتیب، سد دفاعی مسلمانان در شام در برابر صلیبیون شکسته شد.

موقعیت تجاری و کشاورزی طرابلس

طرابلس یا اطرابلس یا تریپولیس (Tripoli)، نام شهر قدیمی و بندری است که در کنار دریای مدیترانه و شمال شرقی بیروت واقع شده است. طرابلس به دلیل موقعیت جغرافیایی خاصی که در آن واقع شده، همواره به لحاظ نظامی، اقتصادی و تجاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. از سوی دیگر، آب دریای مدیترانه از سه جهت شهر را دربر گرفته که به لحاظ امنیتی و دفاعی، وضعیت ویژه‌ای به شهر داده است. (ناصر خسرو، ۱۳۷۰، ص ۲۰)

طرابلس در قرون چهارم و پنجم هجری قمری، به دلایلی به مرکز مهم تجاری در شام بدل شد: ۱. این شهر دارای موقعیت ترانزیتی و سوق‌الجیشی ویژه‌ای بود؛ ۲. بندری وسیع و پهناور بود که ظرفیت کشتی‌های زیادی را داشت؛ (یعقوبی، ۱۸۹۱م، ص ۱۰۶) ۳. کشاورزی و صنعت در این شهر از رونق خاصی برخوردار بود.^۲ (اصطخری، ۱۹۶۱م، ص ۶۴).

افزون بر موقعیت مناسب جغرافیایی، کشاورزی و تجاری طرابلس، این شهر در زمان حکومت بنی‌عمار در پرتو سیاست‌های امرای این دولت، از پایگاه ویژه‌ای

۱. یعقوبی در اواخر قرن سوم هجری درباره جغرافیای طرابلس می‌نویسد: «بندر طرابلس در شام عجیب است؛ به‌طوری که می‌تواند هزار کشتی را در خود جای دهد». (یعقوبی، ۱۸۹۱م، ص ۱۰۶)
۲. اصطخری می‌نویسد: «شهری بر کنار دریای روم، و آبادان و پر از درخت خرما و نیشکر بوده است». (اصطخری، ۱۹۶۱م، ص ۶۴)

برخوردار گردید. در این زمان، ساحل طرابلس به مهم‌ترین گذرگاه دریایی بلاد شام تبدیل شد و از طریق آن، صادرات و واردات کالاهای تجاری شام به اروپا و بالعکس انجام می‌شد. بنی‌عمار نیز از این امکان ویژه دریایی استفاده می‌کرد و ناوگان تجاری ایشان از طریق دریای مدیترانه، به نقاط مختلف در حرکت بود. محصولات شام و مشرق‌زمین، از طرابلس به اروپا انتقال می‌یافت. محصولات خارجی نیز نخست به آنجا می‌آمد؛ سپس به دیگر نقاط برده می‌شد. (Hitti, 1962, p.286-288)

کشاورزی برای امرای بنی‌عمار اهمیت ویژه‌ای داشت. آنان به کشت نیشکر و صادرات آن از طریق ناوگان تجاری خود به نقاط مختلف اروپا توجه خاصی داشتند. فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ایشان به حدی رسید که طرابلس در عهد بنی‌عمار به بالاترین مرتبه رشد اقتصادی رسید؛ به گونه‌ای که در زمان محاصره صلیبیان، تا مدت‌ها به لحاظ اقتصادی به سختی و تنگنا نیفتادند.^۱ (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹، ج ۱۰، ص ۴۵۲/حبشی، ۱۹۵۸، ص ۶۵)

ادریسی بر این مطلب تأکید می‌کند که طرابلس شهری بزرگ بود که صنعت واردات و صادرات در آن رونق داشت. وی می‌نویسد: «طرابلس، یکی از قلعه‌ها و دژهای شام بود که دیگر مناطق با اقسام کالاها و تجارت‌های مختلف بدان روی می‌آوردند». (ادریسی، ۱۴۲۲/۲۰۰۲، ج ۱، ص ۵۶۷) ناصر خسرو مشاهدات خود را درباره شکوفایی این شهر و اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن چنین توصیف می‌کند: «در این شهر به‌منظور مالیات، گمرکی بستن بر کشتی‌هایی که از روم یا غرب و غیره می‌آیند دفاتری تشکیل شده است و سلطان امیر شهر کشتی‌هایی دارد که کالاهای تجاری‌اش را به بیزانس، صقلیه و غرب می‌برند». (ناصر خسرو، ۱۳۷۰، ص ۲۰-۲۱)

۱. در پرتو حسن سیاست و کفایت حکومت بنی‌عمار، شهر طرابلس ثروتمند شد؛ به گونه‌ای که حتی در دورانی که از خشکی و دریا به وسیله صلیبی‌ها در محاصره بود، با اتکا به ثروت داخلی و حسن اداره اقتصادی خویش، مدت ده سال پایداری کرد؛ به گونه‌ای که وقتی ریموند در خلال محاصره هیئت را برای گفت و گو با فخرالملک فرستاد، این هیئت هنگام عبور از بازار طرابلس و مشاهده کالاهای گوناگون و رواج تجارت و ثروت هنگفت و آسایشی که شهر از آن برخوردار بود، تعجب کرد. (حبشی، ۱۹۵۸، ص ۶۵) فخرالملک در اثنای محاصره صلیبی‌ها، حقوق شش‌ماهه سربازانی را که در خشکی و دریا سرگرم دفاع بودند، پیش‌تر پرداخت کرد. ثروتمندان شهر نیز برای مقابله با محاصره اقتصادی شهر از سوی صلیبی‌ها، کمک مالی دادند. (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹، ج ۱۰، ص ۴۵۲)

بنی‌عمار، از عمران و آبادانی حوزه امارتشان نیز غافل نبودند. بدین ترتیب، به تأسیس صنایع و کارگاه‌ها همت گماشتند. چنان که ذکر شد، طرابلس بندری طبیعی در شام بود که هم از لحاظ محصولات کشاورزی و هم به‌لحاظ تولیدات کارگاهی بسیار غنی بود. بنابر گزارش‌های موجود در قرن پنجم هجری، حدود چهار هزار کارگر در این شهر به تولید پارچه‌های پشمی و ابریشمی و کتانی مشغول بودند. از صنایعی که با حمایت بنی‌عمار شکل گرفت، صنعت حریربافی بود که در کارخانجات طرابلس، هزاران دستگاه بافندگی و دوک‌های نخ باعث رونق این صنعت می‌شد. (Hitti, 1962, p.288-290)

از مهم‌ترین اقدامات عمرانی امرای بنی‌عمار، طراحی و ساخت شبکه‌های آبرسانی است. یکی از نهرهای پر آب طرابلس، رودخانه ابوعلی بود که در بیشتر اوقات، سطح آب آن بالا می‌آمد و خسارات فراوانی وارد می‌کرد. بنی‌عمار با طراحی دقیقی توانستند از طغیان رودخانه جلوگیری کرده، با ایجاد شبکه آبرسانی منظمی، از آب آن برای کشاورزی در مزارع و باغ‌های طرابلس استفاده کنند. (Ibid. p.289)

شمه‌ای درباره پیشینه دارالعلم در جهان اسلام

نخستین و مهم‌ترین کتابخانه‌های عمومی، که در سده‌های چهارم و پنجم قمری شکل گرفتند، دارالعلم‌ها بودند. بنیاد دارالعلم‌ها بر کتابخانه استوار بود؛ ولی در کنار آن، فعالیت‌های پژوهشی و علمی نیز در این مراکز انجام می‌شد. مهم‌ترین ویژگی دارالعلم‌ها از این قرار بود: ۱. مؤسسه‌ای وقفی بودند، که پیش از هر چیز به‌عنوان کتابخانه عمومی استفاده می‌شدند؛ ۲. به‌طور عموم، تبلیغات عقیدتی شیعی در این مراکز صورت می‌گرفت؛ ۳. وجود و استقرار دانشمندان در دارالعلم‌ها، به ترویج امر آموزش و نیز حضور دانشجویان می‌انجامید. (العش، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴)

لازم به یادآوری است که دارالعلم‌ها، اغلب ماهیتی شیعی داشتند. چنان که پیش‌تر گفته شد، بیشتر دارالعلم‌ها و بزرگ‌ترین آنها، توسط شیعیان تأسیس و اداره می‌شد. اغلب در کنار فعالیت‌های کتابخانه‌ای، فعالیت‌های تبلیغی شیعی نیز در دارالعلم‌ها انجام می‌گرفت. از این رو، عمر این قبیل مراکز، نوعاً کوتاه بود و دوام و

استمرار فعالیت آنها به تداوم حکومت‌ها بستگی داشت و با ضعف و انحطاط این حکومت‌ها، دارالعلم‌ها که عوامل اساسی حمایت و پشتیبانی خود را از دست می‌دادند، از میان می‌رفتند. اوج فعالیت دارالعلم‌ها، در قرن چهارم و پنجم هجری بود. در این دوران در شهرهای مختلف، شماری از این مراکز تأسیس شدند که برخی تا قرن پنجم و اوایل قرن ششم فعال بودند. (همان، ص ۱۶۵ / غنیمه، ۱۳۷۲، ص ۹۹)

در دارالعلم‌ها، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی انجام می‌شد؛ برخی آنها را به‌منزله مراکز آموزشی و دانشکده‌های جهان اسلام برشمرده‌اند. (طوطی، ۱۴۰۳، ص ۳۰) به‌نظر می‌رسد، دارالعلم کتابخانه‌ای عمومی بود که جلسات علمی به آن وابسته بود. گروهی از دانشمندان برای گفت‌وگو و ایراد سخنرانی‌های علمی، در آنجا حضور می‌یافتند. افزون بر این، طالبان علم برای مطالعه و کسب دانش، در این مراکز اجتماع می‌کردند. (غنیمه، ۱۳۷۲، ص ۹۹)

دارالعلم‌ها فعالیت‌های خود را از قرن چهارم هجری و در زمان حکومت آل‌بویه شیعی‌مذهب آغاز کردند. دارالعلم ابن‌سوار، دارالعلم شریف رضی و دارالعلم شاپور بن اردشیر، از جمله اینهاست.

دارالعلم ابن‌سوار، توسط ابوعلی بن‌سوار شیعی، کاتب و از نزدیکان عضدالدوله دیلمی، در شهر بصره در نیمه دوم سده چهارم هجری تأسیس شد. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۱۷) دارالعلم شریف رضی (گردآورنده نهج‌البلاغه) در بغداد در ربع آخر قرن چهارم هجری آغاز به کار کرد. (شریف‌رضی، ۱۳۰۷ق، مقدمه، ص ۳۰۲) شاپور بن اردشیر، وزیر بهاءالدوله دیلمی، در اواخر قرن چهارم هجری دارالعلمی در محله شیعه‌نشین کرخ در بغداد بنیان نهاد. (صفدی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۱۱۳) این مؤسسه شیعی، دارای کتابخانه‌ای نفیس با بیش از صدهزار جلد کتاب بود. (کرمر، ۱۳۷۵، ص ۹۷) در همین راستا، در اواخر قرن چهارم، الحاکم خلیفه فاطمی شیعی‌مذهب، دارالعلمی را در قاهره برپا نمود (قلقشندی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۳۶۶) و کتاب‌های کاخ را بدانجا منتقل کرد. (متز، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۰۷)

در این مقطع، الحاکم با دعوت از دانشمندان علوم مختلف، قاهره را به شکوفایی فرهنگی و علمی رساند. در زمان الحاکم، بی‌تعصبی و تسامح مذهبی نقش بسزایی در

پویایی دارالعلم قاهره داشت؛ اما با مرگ او، توجه به مسائل علمی کاهش یافت و دارالعلم به مرکز تبلیغی اسماعیلی تبدیل شد. افزون بر آن، بحران‌های سیاسی و اقتصادی در دوران مستنصر موجب شد رکود فرهنگی در این دارالعلم رخ نماید. در زمانی که فاطمیان دچار رکود سیاسی شدند و دارالعلم قاهره افول کرد، خاندان بنی‌عمار در طرابلس که در اطاعت آنان بودند، از تابعیت فاطمیان خارج شدند و افزون بر استقلال سیاسی، با تأسیس دارالعلم طرابلس به شکوفایی و اعتلای فرهنگی رسیدند. لازم به ذکر است که دارالعلم طرابلس، از دارالعلم قاهره الگوگیری کرده و تأثیر پذیرفته است.

دارالعلم طرابلس

خاندان بنی‌عمار در طرابلس، به مباحث فرهنگی نیز توجهی ویژه داشتند؛ به گونه‌ای که شهرت ایشان در مسائل فرهنگی و علمی، بیش از شهرتشان در مسائل دیگر است. مهم‌ترین اقدام ایشان در این زمینه، تأسیس دارالعلم طرابلس است. (ابن‌منقذ، ۱۹۳۰، ص ۲۰۸)

گفتنی است، دارالعلم طرابلس توسط امین‌الدوله تأسیس شد. وی کتابخانه‌ای با بیش از صدهزار کتاب وقتی در آنجا فراهم کرد. (ابن‌شداد، ۱۹۶۲، ج ۲، ص ۱۰۷) او کسانی را برای جست‌وجوی کتب مختلف به تمام سرزمین‌ها فرستاد و در این زمینه پول فراوانی خرج کرد و کتاب‌های کمیاب و نادر را در دارالعلم فراهم آورد. امین‌الدوله، خود یکی از فقهای شیعه، و نویسنده‌ای توانا بود و کتاب‌های گران‌بهای، از جمله ترویج الارواح و مفتاح السرور و الافراح تألیف کرد. (تدمری، ۱۹۸۴، ج ۱، ص ۳۵۶)

جلال‌الملک نیز به دلیل شرایط مساعدتر دوران حکومتش، بیشتر به دارالعلم توجه داشت. وی در سال ۴۷۲ق دارالعلم را بازسازی کرد. به نظر می‌رسد که با گذشت ایام، بنیان دارالعلم طرابلس دچار ضعف و سستی شده یا اینکه مکان آن برای انبوه کتاب‌ها کوچک بود؛ از این رو جلال‌الملک در آن سال به تجدید بنای آن اقدام کرد. (ابن‌عدیم، ۱۹۶۵، ص ۵۰)

جلال‌الملک به دارالعلم طرابلس بسیار توجه داشت و اموال بسیاری را صرف آن کرد. وی برای ترغیب و تشویق کسانی که در دارالعلم بودند، اموالی را میان آنها قسمت کرد. این امیر بنی‌عمار همانند امین‌الدوله در پی یافتن کتاب‌های نفیس و نوشته‌های نادر و منحصر به فرد، افرادی را به سفر به سرزمین‌های اسلامی مأمور ساخت. وی همچنین ناظرانی را برای رسیدگی به امور دارالعلم تعیین کرد. (همان)

دارالعلم بنی‌عمار به لحاظ ساختار معماری، مشتمل بود بر یک کتابخانه با مخزنی بزرگ و قرائت‌خانه‌ای عمومی، محله‌هایی برای تشکیل کلاس‌های درس، تالاری برای اجتماعات علمی و مباحثات دانشمندان، و مکانی برای اسکان نساخان و اهل‌علم. بنابراین، می‌توان آن را همچون یک مجموعه ساختمانی به هم پیوسته و متمرکز در نظر گرفت. این مؤسسه، از نظر شیوه اداری، متشکل بود از یک مدیریت عالیه، مدیران ناظر و مدیریت فنی، که شامل کتاب‌داران، نساخان و ورقان می‌شد. مدیریت عالیه بر عهده مؤسس دارالعلم و دیگر اعضای خاندان بنی‌عمار بود. نظارت و سرپرستی دارالعلم بر عهده عده‌ای از علمای بزرگ بود که جایگاه علمی والایی داشتند. برخی از آنان عبارت بودند از: حسین بن بشر بن علی بن بشر، (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۷۵) اسعد بن ابی‌روح ابوالفضل الرافضی (ابن خیاط، ۱۹۵۷م، ص ۱۲۱-۱۲۲) و ابوعبدالله طلیطلی. (ابن منقذ، ۱۹۳۰م، ص ۲۰۸)

در داخل کتابخانه، سالی ویژه نسخه‌پردازان و خطاطان بود که نیازهای آنان، از قبیل کاغذ، مرکب و قلم در آنجا فراهم بود. همین طور، یک سالن مطالعه وجود داشت که مردم نه تنها از طرابلس، بلکه از هر جای دیگری برای استفاده از کتاب‌های علمی و فنی گوناگون موجود در آن، به آنجا می‌آمدند. (محب‌الدین خطیب، ۱۳۴۸ق، ج ۴، ص ۱۷۲)

به روایت ابن‌فرات، دارالعلم طرابلس دارای زیباترین و غنی‌ترین کتابخانه قرن پنجم هجری بوده است. این دارالعلم ۱۸۰ نسخ داشت که کارشان تنها نسخه‌برداری از کتاب‌ها و افزودن آنها به کتابخانه بود. از این عده، سی نفر به طور شبانه‌روزی و تمام‌وقت در آنجا حاضر بودند. (ابن‌فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷) نسخه‌برداری، تنها به کتاب‌های عربی محدود نمی‌شد؛ بلکه بسیاری از کتاب‌های یونانی، رومی و فارسی نیز

در این کتابخانه نسخه‌برداری می‌شد. (همان، ص ۷۸) روشن است که چنین کتابخانه‌ای برای پرداخت حقوق کارگران، ناظران، نساخان، خطاطان، مترجمان، صحافان، و راقان و خریدارانی که کتاب‌های نایاب را به هر قیمتی می‌خریدند، به هزینه‌ای گزاف نیاز داشت. منابع مالی این دارالعلم توسط خاندان بنی‌عمار تأمین می‌شد. (محب‌الدین خطیب، ۱۳۴۸ق، ج ۴، ص ۱۷۲)

از طرح‌های عمرانی بنی‌عمار در طرابلس، ساخت کارخانه‌های کاغذسازی است. تا پیش از این، بهترین نوع کاغذ، کاغذ سمرقندی بود که در تمام بلاد اسلامی به بهترین کاغذ معروف بود؛ اما بنی‌عمار با ساخت کارخانه‌های کاغذسازی، کاغذی تولید کردند که شهرت آن از کاغذهای سمرقندی بیشتر شد. (ناصرخسرو، ۱۳۷۰، ص ۲۰-۲۱) وجود این کارخانه‌ها، در رواج علم، تدوین و تألیف علمی در طرابلس بسیار تأثیر داشت و به نهضت فرهنگی، علمی و ادبی ایشان کمک کرد.^۱ در کنار آن، صنعت استنساخ و صحافی نیز رونق فراوانی یافت؛ و چنان‌که پیش از این ذکر شد، در دارالعلم، بیش از ۱۸۰ نسخه‌بردار وجود داشت که به کار نسخه‌برداری مشغول بودند. (ابن‌فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷)

دربارهٔ شمار کتاب‌های موجود در کتابخانهٔ بنی‌عمار، اقوال گوناگون است. به‌نظر می‌رسد که کتابخانه در دوران امین‌الدوله، بنیان‌گذار بنی‌عمار، با صد هزار کتاب تشکیل شد (ابن‌شداد، ۱۹۶۲م، ج ۲، ص ۱۰۷) و در روزگار جانشین وی، جلال‌الملک، به یک میلیون جلد رسید. سپس در روزگار فخرالملک، شمار کتاب‌ها افزایش یافت تا به سه میلیون نسخه رسید. (ابن‌فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷/ جرجی‌ینی، ۱۸۸۱م، ص ۳۸۳)

متأسفانه کتاب‌های این کتابخانه در پی سقوط طرابلس، به‌دست صلیبیون به آتش کشیده شد. (ابن‌قلانسی، ۱۹۰۸م، ص ۱۶۳/ ابن‌اثیر، ۱۳۹۹، ج ۱۰، ص ۴۷۶/ ابن‌تغری بردی، ۱۹۶۳م، ج ۳، ص ۳۹۰) گفتنی است که مورخان غیرعرب، به این آتش‌سوزی و از

۱. ناصرخسرو در سفر به مصر، هنگام عبور از شام، در وصف طرابلس می‌نویسد: «در آنجا کاغذ خوبی، مانند کاغذ سمرقندی، بلکه بهتر از آن می‌سازند. مردم این شهر همه شیعه باشند و شیعه به هر بلادی مساجد نیکو ساخته‌اند. در طرابلس خانه‌هایی همانند رباط ساخته‌اند؛ ولی کسانی در آنجا مقام نمی‌کند و آن را مشهد خوانند». (ناصرخسرو، ۱۳۷۰، ص ۲۱)

میان بردن کتاب‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند؛^۱ (لامنس، ۱۹۲۲م، ص ۱۰۷ به بعد) در حالی که مورخان مسلمان از نابودی ثروت‌های این شهر، از جمله کتاب‌های دارالعلم به دست صلیبیون، اظهار تأسف کرده‌اند. (ابن خلکان، قاهره، ۱۹۴۸م، ج ۲، ص ۸/ ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۴)

ابن فرات، از آتش زدن دارالعلم در این حمله یاد کرده است. سخن وی، افزون بر آنکه از انگیزه‌های دینی و کشاکش‌های مذهبی جنگ‌های صلیبی و نابودی مراکز علم و دانش مسلمانان توسط صلیبیون خبر می‌دهد، از رخداد دیگری نیز پرده برمی‌دارد: انتقال دانش مسلمانان در جریان این جنگ‌ها به اروپا توسط جنگجویان صلیبی. (ابن فرات، ۱۹۳۹م، ج ۸، ص ۷۷)

توجه به این نکته در بررسی رخدادهای بعدی جوامع اروپایی و پدیداری رنسانس علمی قرن‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی، به‌خوبی منابع فکری آن هنگام را آشکار می‌کند. (العش، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۱/ رانسیمان، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۸) آنچه مسلم است، با آتش‌سوزی و غارت این دارالعلم، در واقع یکی از نفیس‌ترین کتابخانه‌های شیعی و یکی از فعال‌ترین مؤسسات علمی جهان اسلام از بین رفت.

شاعران و دانشمندان شیعی در دارالعلم طرابلس

چنان‌که پیش از این گفته شد، در عهد حکمرانی بنی‌عمار، شهر طرابلس به‌لحاظ علمی به بالاترین حد شکوفایی خود رسید. به گونه‌ای که دانشمندان و اهل علم، از اطراف و اکناف به آنجا سفر می‌کردند و نزد حکمرانان این ناحیه حاضر می‌شدند و از امکانات دارالعلم بهره می‌گرفتند. (محب‌الدین خطیب، ۱۳۴۸ق، ج ۴، ص ۱۷۲)

با سقوط طلیطله در اندلس در سال ۴۷۸ق/ ۱۰۸۵م، عده‌ای از علمای آن به طرابلس مهاجرت کردند. (رانسیمان، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۸) یکی از ایشان، احمد بن محمد ابوعبدالله طلیطلی است که بنی‌عمار از وی حمایت کردند و او را متولی امور دارالعلم قرار دادند. (ابن منقذ، ۱۹۳۰، ص ۲۰۸)

۱. ماتیو آدسای، نویسنده ارمنی، از آتش زدن شهر سخن گفته است. (رانسیمان، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۸) گفته می‌شود که آتش‌سوزی به‌دستور خاص کشیش برتراند صورت گرفته است. (العش، ۱۳۶۸، ص ۱۵۰-۱۵۱)

شواهدی از حضور علمای عراق در طرابلس در دست است که گویای ارتباط علمی و فرهنگی آنجا با حوزه علمی شیعه در عراق است؛ چنان‌که عبدالعزیز بن‌نحیر ابن‌براج (م ۴۸۱ق) فقیه مشهور امامی، (البحرانی، ۱۹۶۶م، ص ۳۳۲) در سال ۴۳۸ق به‌عنوان نماینده شیخ طوسی رهسپار طرابلس شد و برای مدتی طولانی در این شهر از سوی بنی‌عمار عهده‌دار منصب قضا بود. (افندی اصفهانی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۱۴۲/منتجب‌الدین رازی، ۱۹۸۶م، ص ۷۴)

از دیگر عالمان مشهوری که به طرابلس آمدند و در آن به فعالیت علمی خود ادامه دادند، می‌توان از این افراد نام برد: شاعر معروف، ابن‌حیوس؛ سدیدالملک بن منقذ، امیر و شاعر شیعی مذهب؛ ابن‌سراج، عالم و نویسنده؛ ابن‌نقار، قاضی‌ای که در طرابلس تدریس می‌کرد؛ و ابن‌قیسرانی، شاعر شامی. (عماد اصفهانی، ۱۹۵۹م، ج ۲، ص ۷۸) دانشمندان بزرگی در شاخه‌های مختلف علوم و معارف، به طرابلس رفت‌وآمد داشتند. حلقه‌های درس، با حضور علمای بزرگ که بیشتر آنها شیعه بودند، برگزار می‌شد. (ابن‌عدیم، ۱۹۶۵م، ص ۵۰) تا جایی که شهر طرابلس به دارالعلم شهرت یافت. (دیوه‌چی، ۱۹۷۲م، ص ۵۷/العش، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، ص ۱۴۸) ترجمه علوم از لاتین، فارسی و دیگر زبان‌ها به عربی، و از عربی به دیگر زبان‌ها در آنجا رونق گرفت. (اولیری، ۱۹۶۲م، ص ۲۶۸)

برخی نویسندگان شیعه در سایه حمایت‌های بنی‌عمار آثار ارزشمندی در زمینه‌های فقهی نگاشتند. برای نمونه، کراچکی دو کتاب به نام‌های نهج‌البیان و عده‌البصیر فی حج یوم الغدیر را به نام ابوالکتاب احمد بن محمد بن‌عمار (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۱ق، ص ۱۲ و ۱۳۲/امینی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۱۵۵) و کتاب فقهی البستان را به نام قاضی امین‌الدوله بن‌عمار تألیف کرد. (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳م، ج ۳، ص ۱۰۹) همچنین حسین بن احمد بن قطان بغدادی، فقیه امامی، پس از سفر خود به حلب در سال ۳۹۰ق، به طرابلس رفت و در مدت اقامت خود در آنجا، کتاب الشامل را نگاشت. (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۲۶۷)

از دیگر علمای شیعه مذهبی که به طرابلس رهسپار شدند، شیخ عزالدین بن عبدالعزیز بن ابی‌کامل، شاگرد قاضی ابن‌براج، (البحرانی، ۱۹۶۶م، ص ۳۳۶) ابوعبدالله

محمد بن هبة الله بن جعفر وراق را می‌توان نام برد. (ابن بابویه رازی، ۱۹۸۶م، ج ۲، ص ۱۵۵) همچنین ابن منیر طرابلسی، از جمله بزرگان شهره در ادبیات بود که به طرابلس عزیمت کرد. (یاقوت حموی، ۱۹۹۳م، ج ۱۹، ص ۴۶)

توجه به این موضوع لازم است که بنی‌عمار به شعر و شعرا نیز بسیار اهمیت می‌دادند. در قصرهای بنی‌عمار حلقه‌های مناظره و مشاجره برپا می‌شد تا شاعران، مهارت خود را در سرودن اشعار نشان دهند. مشهورترین شاعر این عصر در شام، احمد بن محمد أباعبدالله، معروف به ابن خیاط است که قصاید بسیاری در مدح جلال‌الملک بن عمار (ابن خیاط، ۱۹۵۷م، ص ۲۲-۲۸، ۳۸-۴۱، ۴۴-۴۸ / صفدی، ۱۹۸۳م، ج ۲۲، ص ۱۰۷) و فخرالملک بن عمار (ابن خیاط، ۱۹۵۷م، ص ۵۴ به بعد / ابن فوطی، ۱۹۶۵م، ج ۴، قسم ۳، ص ۲۶۵ / صفدی، ۱۹۸۳م، ج ۲۲، ص ۳۸۲-۳۸۳) سروده است.^۱ ابوجعفر محمد بن محمد افطسی، شاعر و نسابه علوی نیز قصایدی در مدح جلال‌الملک دارد (مقریزی، المقفی‌الکبیر، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۹۶) و بخشی از دیوان او، در مدح فخرالملک است. (همان، ص ۹۸) همچنین علی بن ابراهیم ابن‌العلائی معری،^۲ مواهیب بن حدید معری و عبدالمحسن بن صدقه، از شاعران وابسته به دربار بنی‌عمار بودند. (عمادالدین اصفهانی، ۱۹۵۹م، ج ۲، ص ۷۷-۸۱)

فرمانروایان سلسله بنی‌عمار، برای رواج هرچه بیشتر شعر و شاعری، به خطاطانی که اشعار را به خط نیکو می‌نوشتند، هدایایی می‌دادند. برای نمونه، خطاطی به نام احمد بن محمد، معروف به ابن خیشی حلبی، در ازای نوشتن ۲۷ قصیده برای جمعی از شاعران طرابلس، در حدود دویست دینار دریافت کرد. (تدمری، ۱۹۷۳م، ص ۲۵)

۱. وی در دوران طفولیت، در سال ۴۶۳ق دمشق را در حالی که دچار بحران قحطی و خشکسالی بود، به قصد حماه ترک کرد؛ سپس به حلب رفت و با شاعر معروف، ابن حیوس، دیدار و از وضعیت ناگواری خود نزد وی شکایت نمود. ابن حیوس وی را به طرابلس رهنمون کرد. وی در سال ۴۷۶ق و در حالی که جوانی ۲۶ ساله بود، وارد طرابلس شد و به دربار بنی‌عمار راه یافت و قصاید بسیاری در مدح جلال‌الملک (ابن خیاط، ۱۹۵۷م، ص ۲۲-۲۸، ۳۸-۴۱، ۴۴-۴۸ / صفدی، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۳م، ج ۲۲، ص ۱۰۷) و فخرالملک، سومین امیر بنی‌عمار (ابن خیاط، ۱۹۵۷م، ص ۵۴ به بعد / صفدی، ۱۹۸۳م، ج ۲۲، ص ۳۸۲-۳۸۳) سرود.

۲. ابوالحسن علی، معروف به ابن‌العلائی معری، در این امر پیشی گرفت و اشعاری سرود که فخرالملک را به شگفتی آورد.

با جست‌وجو در کتب تاریخ و تراجم می‌توان به این حقیقت رسید که در زمان حمله صلیبیون به طرابلس، تعداد چشمگیری از علمای علوم مختلف در آنجا حضور داشتند. ناصر خسرو می‌نویسد: «هنگام حمله صلیبی‌ها به طرابلس، این شهر پر از دانشمند بود». (ناصر خسرو، ۱۳۷۰، ص ۲۰-۲۱)

باری، حیات فرهنگی طرابلس در دوران آل‌عمار، به گونه‌ای بی‌نظیر شکوفا شد و طرابلس در زمان آنان، قبله‌گاه ادیبان و دانشمندان گشت. بدین ترتیب، حوزه علم و فرهنگ در طرابلس، با حضور ادیبان، شاعران و فقیهان شکوفا گردید.

نتیجه

چنان‌که شرح داده شد، امرای دودمان محلی بنی‌عمار، افزون بر توجه به مسائل سیاسی و اقتصادی، به مسائل تمدنی، فرهنگی و دینی، به‌ویژه به مذهب شیعه التفات خاصی داشتند. افراد این خاندان، خود افرادی علم‌دوست و همواره حامی و مشوق علما در رشته‌های مختلف بودند؛ و اوج کار ایشان، در تأسیس و حمایت از دارالعلم طرابلس دیده می‌شود. امیران بنی‌عمار با الگوگیری و تأثیرپذیری از حکومت‌های شیعی مذهب آل‌بویه و به‌ویژه دارالعلم قاهره، در پویایی مذهب شیعه در منطقه شام مؤثر بودند. قرن‌های سوم تا هفتم هجری قمری، دوران شکوفایی شیعیان در نواحی ساحلی شام است و دولت بنی‌عمار با تأسیس این دارالعلم در این امر مؤثر بودند.

افزون بر حمایت امرای بنی‌عمار، باید به زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این دارالعلم توجه داشت. از جمله زمینه‌ها، وضعیت تجاری و اقتصادی منطقه شام به‌ویژه شهر بندری طرابلس است. از آنجا که اقتصاد در پیشرفت فرهنگ نقش بارزی دارد، وضعیت مناسب تجاری و اقتصادی طرابلس در تأسیس آن دارالعلم و جذب دانشمندان به این منطقه مؤثر بوده است. از جمله زمینه‌های دیگر تأسیس دارالعلم طرابلس، می‌توان به پیشینه تشیع در منطقه شام اشاره داشت. افزون بر این، طرابلس در این برهه نقش بسزایی در انتقال علوم از شرق به غرب داشت. شاهد این ادعا، سخنان ابن‌فرات در خصوص انتقال دانش مسلمانان به اروپا در جریان جنگ‌های صلیبی توسط صلیبیون است.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشيعة: النابس في القرن الخامس، بيروت، چاپ علی‌نقی منزوی، (۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م).
۲. _____، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م).
۳. ابن‌اثیر، علی‌بن‌محمد، الكامل فی التاريخ، ج ۹ و ۱۰، بيروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق/۱۹۳۲م.
۴. ابن‌بابویه رازی، فهرست اسماء الشيعة و مصنفیهم، بيروت، دار الأضواء، ۱۹۸۶م.
۵. ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، قاهره، وزارة الثقافة والارشاد القومي، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م.
۶. ابن‌جوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاريخ الملوك والأمم، بيروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۷. ابن‌حجر عسقلانی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹-۱۳۳۱ق، بيروت، چاپ افسست، ۱۴۰۶/۱۹۸۶م.
۸. ابن‌خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد، وفيات الاعيان وانباء ابناء الزمان، تحقيق: محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۹۴۸م.
۹. ابن‌خیاط، دیوان ابن‌خیاط، تحقيق: خليل مردم‌بک، دمشق، المجمع العلمی العربی، ۱۹۵۷م.
۱۰. ابن‌شداد، عزالدین ابوعبدالله محمدبن‌علی، الاعلاق الخطيرة فی ذکر امراء الشام والجزیره، تحقيق: سامی دهان، دمشق، [بی‌نا]، ۱۹۶۲م.
۱۱. ابن‌عدیم، بغیة الطلب فی تاريخ حلب، آنکارا، جمعیة التاريخية التركية، چاپ علی‌سویم، ۱۹۷۶م.
۱۲. ابن‌عدیم، الانصاف والتحرى ضمن تعريف القدماء بابی العلاء، قاهره، الدار القومية للنشر، ۱۹۶۵م.
۱۳. ابن‌فرات، تاریخ، بيروت، چاپ قسطنطین زریق و نجلا عزالدین، ۱۹۳۹م.
۱۴. ابن‌قلانسی، ابویعلی حمزه، ذیل تاریخ دمشق، تحقيق: آمدرز، بيروت، المكتبة الكاتوليكية، ۱۹۰۸م.
۱۵. ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل‌بن‌عمر، البداية والنهاية فی التاريخ، بيروت، ۱۹۶۶م.
۱۶. ابوقوطی، تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقاب، جزء ۴، قسم ۳، دمشق، چاپ مصطفی جواد، ۱۹۶۵م.
۱۷. ابوالفداء، اسماعیل‌بن‌علی، المختصر فی اخبارالبشر: تاريخ ابوالفداء، بيروت، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۶م.
۱۸. ادريسي، محمدبن‌محمدبن‌عبدالله، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲.

۱۹. اسامة بن منقذ، کتاب الاعتبار، بريستون، ۱۹۳۰م.
۲۰. اصطخری، المسالك والممالك، قاهره، [بی نا]، ۱۹۶۱م.
۲۱. افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. قم، چاپ احمد حسینی، ۱۴۰۱ق.
۲۲. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب والسنة و الادب. بیروت، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
۲۳. اولیری، دُلّسی، علوم اليونان وسبل انتقالها الى العرب، ترجمه وهیب کامل، قاهره، [بی نا]، ۱۹۶۲م.
۲۴. البحرانی، یوسف، لؤلؤة البحرين. نجف، ۱۹۶۶م.
۲۵. تدمری. عمر عبدالسلام. تاریخ طرابلس السیاسی و الحضاری عبر العصور، بیروت، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م.
۲۶. _____، الحیاة الثقافية فی طرابلس الشام خلال العصور الوسطی، بیروت، دار الایمان، ۱۹۷۳م.
۲۷. حبشی، حسن، الحرب الصليبية الاولى، قاهره، [بی نا]، ۱۹۵۸م.
۲۸. دیوه‌چی، سعید، بیت الحکمة. موصل، [بی نا]، ۱۹۷۲م.
۲۹. رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران، ۱۳۶۰.
۳۰. شریف رضی، الدیوان، بیروت، ۱۳۰۷ق.
۳۱. صفدی، خلیل بن اَبیک، کتاب الوافی بالوفیات، ج ۲۲، ویسبادن، چاپ رمزی بعلبکی، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۳م.
۳۲. طوطح، خلیل، التربية عند الاسلام، قاهره، ۱۴۰۳ق.
۳۳. عثمان، هاشم، تاریخ الشيعة فی ساحل بلاد الشام الشمالي، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۴م.
۳۴. العش، یوسف، کتابخانه‌های عمومی و نیمه‌عمومی اسلامی در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۵. _____، دور الكتب العربية العامة لبلاد العراق و الشام و مصر فی العصر الوسيط، ترجمه نزار أباطه و محمد صباغ، بیروت-دمشق، ۱۴۱۱ق.
۳۶. عمادالدین اصفهانی، محمد بن محمد، خريدة القصر و جريدة العصر، قسم شعراء شام، دمشق، چاپ شکری فیصل، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۹م.
۳۷. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسای، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۳۸. قلقشندی. **صبح الاعشى فى صناعة الانشاء**، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومى، المؤسسة المصرية العامة للتأليف و الترجمة و الطباعة و النشر، [بى تا].
۳۹. قلقشندی، بوالعباس احمد بن على، **مآثر الأنافة فى معالم الخلافة**، تحقيق عبدالستار احمد فراج، كويت، ۱۹۶۴م.
۴۰. کرمر، جوئل، **احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی**، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۴۱. لامنس، هنری، **صلیبیون و مکتبه طرابلس الشام**، المشرق، ۱۹۲۲م.
۴۲. متز، آدام، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری**، ج ۱، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۴۳. محب‌الدین خطیب، **الحديقة**، قاهره، ۱۳۴۸ق.
۴۴. مقدسی، **احسن التقاسیم**، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، ۱۳۶۱.
۴۵. مقریزی، احمد بن علی، **المقفی الكبير**، بیروت، چاپ محمد یعلاوی، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.
۴۶. منتجب‌الدین رازی، علی بن عبدالله، **فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم**، بیروت، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م.
۴۷. ناصر خسرو قبادیانی، **سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، انتشارات زوار، ۱۳۷۰.
۴۸. یاقوت حموی، **معجم الأدباء**، بیروت، دارالمستشرق، ۱۹۹۳م.
۴۹. یعقوبی، ابن واضح، **البلدان**، تحقیق: دخویه. لیدن، ۱۸۹۱م.
۵۰. ینی، جرجی، **تاریخ سوريا**، بیروت، المطبعة الأدبية، ۱۸۸۱م.
51. Hitti, Philip K. **Lebanon in History**, London, Macmillan & Co Ltd, 1962.